

# فلسفه حقوق

ایمانوئل کانت

دکتر منوچهر صانعی دره‌بیدی



انتشارات نقش و نگار

## فصل اول

### چگونگی داشتن چیزی به نحو خارجی به عنوان مال خود

۱

چیزی حقاً مال من است که چنان با آن مرتبط باشم که اگر دیگری بخواهد بدون رضایت من از آن استفاده کند، به من زیان برساند. شرط درون ذهنی (فاعلی) امکان استفاده از چیزی کلاً عبارت است از مالکیت<sup>۱</sup>.

اما به نحو خارجی فقط چیزی مال من است که اگر مجاز باشم از آن استفاده کنم، بتوان فرض کرد که استفاده دیگری از آن، حتی اگر من مالک آن نباشم، موجب زیان من خواهد شد. - پس این یک مفهوم متناقض است که گفته شود: چیزی را به نحو خارجی به عنوان مال خود داشتن در صورتی صحیح است که مفهوم مالکیت دارای معانی گوناگون نباشد؛ و مقصود از معانی گوناگون، مالکیت محسوس<sup>۲</sup> و مالکیت معقول<sup>۳</sup> باشد؛ و مقصود از محسوس، مالکیت جسمانی<sup>۴</sup>

\* شماره‌های ۲۴۳ و ۲۴۴ در متن نیست - م.

1. Besitz.

2. sinnlichen.

3. intelligiblen.

4. physische.

باشد؛ اما فقط از مالکیت معقول، مالکیت حقانی<sup>۱</sup> همان شیء فهمیده شود. این تعبیر که گفته شود: چیزی خارج از وجود من است، یا حداکثر به این معنی است که این چیزی است که فقط از من (از فاعل) متمایز<sup>۲</sup> است یا [علاوه بر تمایز] به این معنی است که در یک وضعیت زمانی یا مکانی خاصی قرار دارد. [بنابراین] فقط به معنای اول می‌توان مالکیت را به عنوان مالکیت عقلانی تصور کرد؛ [و] معنای دوم را باید مالکیت تجربی نامید. مالکیت عقلانی (اگر چنین چیزی ممکن باشد) عبارت است از مالکیت چیزی بدون در دست داشتن آن.

۲

مصادره<sup>۳</sup> عقل عملی در باب حقوق

برای من ممکن است که هر متعلق خارجی گزینش خود را به عنوان مال خود به دست آورم؛ و این مبنایی است که اگر به عنوان قانون به کار رفته باشد، به موجب آن، اینکه متعلق یک گزینش فی‌نفسه (به نحو برون ذهنی) باید به هیچ کس تعلق نداشته باشد، خلاف حق است.

چون متعلق گزینش من چیزی است که من قدرت بدنی استفاده از آن را دارم، با این وصف اگر استفاده از آن، مطلقاً در محدوده قدرت قانونی من نباشد، یعنی اگر طبق یک قانون کلی با اختیار دیگران هماهنگ نباشد (یعنی ناحق باشد)؛ در این صورت اختیار، با قرار دادن اشیای قابل استفاده خارج از هر نوع امکان استفاده، خود از لحاظ اشیای متعلق گزینش، خود را از هر گونه کاربرد گزینش محروم خواهد کرد. به عبارت دیگر از لحاظ عملی این اشیا را به پوچی و نیستی خواهد کشاند؛ گرچه گزینش، در استفاده از اشیا طبق قوانین کلی، با اختیار برونی هر کس، صورتاً هماهنگ بوده است. — حال چون عقل عملی محض، چیزی جز قوانین صوری به عنوان اساس کاربرد گزینش بنا نمی‌کند و

1. rechtlicher.

2. unterschiedener.

3. postulat.